



فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی

جایگاه عرف در ازدواج سفید از نظر فقه اسلام

دانشجوی دکتری گروه فقه و مبانی حقوق، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران
استادیار گروه فقه و مبانی حقوق، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران
استادیار گروه فقه و مبانی حقوق، واحد جیرفت، دانشگاه آزاد اسلامی، جیرفت، ایران

عبدالله علیزاده^{id}
روح الله افضلی گروه*^{id}
مجید خزایی^{id}

دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۷ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۲ ایمیل نویسنده مسئول: Afzaligorooh58@gmail.com

فصلنامه علمی پژوهشی
خانواده درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۴۳۰-۲۷۱۷
http://Aftj.ir

دوره ۲ | شماره ۴ پیاپی ۸ | ۵۳۴-۵۴۵
زمستان ۱۴۰۰

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر، بررسی جایگاه عرف در ازدواج سفید، از نظر فقه اسلام می‌باشد.
روش: این پژوهش با استناد به منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی انجام شد. **یافته‌ها:** از جمله علل روی آوردن به ازدواج سفید در ایران، بیکاری، سنت‌های غلطی مانند وضع مهریه‌های سنگین، مخارج کمرشکن عروسی، فاصله بین فقیر و غنی، و ... می‌باشد. همچنین افزایش چشمگیر خانه‌های مجردی در نتیجه استقلال‌طلبی، تعارض‌های نسلی، مهاجرت شغلی و تحصیلی را می‌توان از عوامل مهم شیوع ازدواج سفید در کشور از نظر جامعه‌شناختی دانست. زوج‌هایی که ازدواج سفید را انتخاب می‌کنند، از سلامت روانی کمتری نسبت به افرادی که ازدواج رسمی می‌کنند، برخوردارند و سطح رضایت از زندگی بسیار پایین‌تری دارند. مشخص نبودن مرز مسئولیت‌ها و تعهدات در زندگی مشترک و توقع مشارکت مالی و تقسیم درآمد، هدفمند نبودن افراد برای سرمایه‌گذاری اقتصادی و رشد مالی، از دیگر مسائلی است که افراد در ازدواج سفید با آن مواجه می‌شوند. **نتیجه‌گیری:** عرف یا همان هنجارهای جامعه اسلامی در ابتدا و سپس اخلاق، شرع و قانون، ازدواج سفید را به عنوان یک پدیده نوظهور رد می‌کنند. مهمترین علتی که این مهم، مورد رد و نقد قرار می‌گیرد آن است که این نوع ازدواج فقط دارای هدف شهوانی است و اثری از رشد فردی و تعالی جامعه و ادامه نسل، در آن نیست. در این نوع ازدواج، زن به عنوان ابزاری برای ارضای غرایز شهوانی قرار گرفته و حق و حقوق قانونی و عرفی او (مهریه، نفقه و اجرت مثل) سلب شده است. باتوجه به تبعات شخصی و اجتماعی این مهم، عرف اسلام و کلیه ادیان، با این رویداد نوظهور کاملاً مخالف هستند.

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:
درون متن:

(علیزاده، افضلی گروه، خزایی، ۱۴۰۰)

در فهرست منابع:

علیزاده، عبدالله، افضلی گروه، روح الله، و خزایی، مجید. (۱۴۰۰). جایگاه عرف در ازدواج سفید از نظر فقه اسلام. فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی، ۲(۴ پیاپی ۸): ۵۳۴-۵۴۵.

کلیدواژه‌ها: عرف، ازدواج سفید، زن، خانواده، فقه اسلام

مقدمه

از منظر دین مبین اسلام یکی از مهم‌ترین مسائلی که در جوامع امروزی نقش مهم و دارای اهمیت زیادی می‌باشد ازدواج است؛ چرا که مزاجت به عنوان یک پدیده مدنی و فقهی از جنبه‌های مختلف از قبیل روحی، روانی، ارث و دیگر مسائل فردی قابل تأمل، مطالعه و تحقیق می‌باشد. نوع شکل‌گیری مثر و کارآمد نکاح و عوامل موثر بر آن امری ضروری و اصولی قلمداد می‌شود. خداوند متعال در صُحُف آسمانی، ازدواج مشروع را مایه‌ی آرامش روح و روان و مایه‌ی تکوین انس و الفت بین زوجین معرفی کرده و موکداً افراد را به ازدواج توصیه نموده است. مواصلت برحسب نوع، ماهیت و انگیزه می‌تواند بازتاب‌های خوشایند و یا بالعکس داشته باشد. قطعاً و به‌طور مسلم بررسی تغییرات اجتماعی بصورت امروزی بسیار حائز اهمیت می‌باشد. اهمیت مفهوم مزاجت در این است که سطحی‌ترین لایه‌های زندگی را به عمیق‌ترین بسترهای آن پیوند می‌زند. (دیانی، ۱۳۹۵) همانطور که می‌دانیم ازدواج سفید با الگویی غربی که ناشی از تحولات اجتماعی و اقتصادی قرن ۲۰ میلادی رخ داده و دگرگونی نهاد و بنیان خانواده‌ها و به زعم شماری از نظریه‌پردازان غربی فروپاشی این شالوده و اساس، به عنوان بازتاب مدرنیته در غرب، طی سال‌های اخیر کانون توجه بسیاری قرار گرفته است. کشور ما نیز با پدیده‌ای به نام «ازدواج سفید» (عمدتاً در برخی کلان‌شهرها) روبرو شده است. ازدواج سفید به عنوان شاخصه‌ای بارز از سبک زندگی مدرن غربی که تقریباً هیچ سنخیت و تناسب معناداری با انتظارات، اقتضات و زیرساخت‌های دینی، فکری و فرهنگی ندارد (قبله‌ای، ۱۳۹۵).

گاهی در میان قوانین دینی و اساسی تهی‌گاه‌هایی به سبب گذر زمان بوجود می‌آید که این قوانین در طول زمان بایستی به سبب رفتارهای گوناگون اجتماعی افراد و یا گروه‌های کثیری از آحاد (نسل جدید) تکامل یابند و هنگامی که در مقابل انعطاف‌پذیری آنها اجازه بازنگری به قوانین ندهند عملکرد اجتماعی و رویه قوای عمومی به آنها انعطاف لازم را خواهد بخشید (گرچی، ۱۳۸۴). اجرا نشدن ماده‌ای از قوانین فقهی و حقوقی سبب می‌شود تا برخی از فقها و حقوقدانان از آنها به عنوان عرف سازگار نام می‌برند یعنی آنها را همانند منابع فقهی و حقوقی الزام‌آور می‌پندارند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵). مطالعه جایگاه تعاملی عرف در ازدواج و نکاح در یک فرایند جامع، از اموری بوده که بدون دلیل مورد بی‌مبالاتی قرار گرفته است و این مهم وقتی ضروری‌تر به نظر می‌آید بدانیم که احکام شرعی (تکلیفی و وضعی) همه شئون و حوزه‌های حیات انسان مکتبی را در بر گرفته و بر آن اعمال نظر می‌نماید.

ازدواج سفید: این نوع از زندگی که به زندگی زناشویی بدون ازدوج نیز معروف است، یک شیوه جایگزین در غرب است که در بیشتر کشورهای اروپایی و آمریکایی رواج دارد. در این نوع رابطه، دختر و پسر بدون هیچ توافق رسمی و مشخصی رابطه را شروع می‌کنند (حکیمی‌ها، ۱۳۸۹). در بسیاری از کشورها ازدواج‌ها در حال تضعیف و هم‌خانگی در حال تقویت است؛ برای مثال شاخص‌ها در کانادا کاهش شدید میزان ازدواج در چند دهه اخیر را نشان می‌دهند. در این کشور، میزان ازدواج زنان تا ۵۰ سالگی، از بالای ۹۵ درصد در سال ۱۹۶۵ به کمتر از شصت درصد در سال ۲۰۰۳ رسیده است. در مقابل، میزان هم‌خانگی در کانادا رشدی ۳۰۰ درصدی را نشان می‌دهد و از ۱۵ درصد در اواخر دهه ۱۹۶۰ به نزدیک ۵۰ درصد در سال ۲۰۰۰ رسیده است. این تغییرات به آمریکای شمالی و اقیانوسیه محدود نمانده و اروپا نیز روندهای مشابهی از آن را تجربه کرده است. هم‌خانگی در اروپا پدیده جدیدی نیست و قبل از انقلاب جنسی دهه ۱۹۶۰ نیز به علل گوناگون

در برخی جوامع اروپایی یافت می‌شد. البته در آن زمان عملی غیرقانونی، مشمول مجازات و نادر بود (دادمرزی، محقق داماد، ۱۳۹۱).

مراحل ازدواج سفید: این پدیده نوظهور اجتماعی پنج مرحله دارد که عبارت‌اند از: **الف) مرحله آشنایی:** در این مرحله دختر و پسر در خیابان و یا در مکان‌های دیگر با یکدیگر آشنا می‌شوند سپس به افشا وضعیت خود می‌پردازند و دردها و محرومیت‌ها و طرد شدن‌های مکرر خود را با یکدیگر در میان می‌گذارند. در بیشتر موارد طرفین خود را غوطه‌ور در مشکلات و بدبختی‌ها معرفی می‌کنند تا حس ترحم و دلسوزی دیگران را تحریک کنند. **ب) مرحله عاشق شدن:** پس از آن که دو طرف از دردهای بی‌شمار، محنت‌های فراوان و مصائب پرتعداد خود گفتند، بیش از پیش به یکدیگر نزدیک می‌شوند. این نزدیکی منجر به ایجاد علقه و ارتباط محبت‌آمیز می‌شود؛ البته نه عشقی که موجب تعالی و رشد می‌گردد، بلکه عشقی که به جهت جبران محرومیت‌های گذشته است. **ج) مرحله به هم پیوستن:** پس از آن که طرفین احساس کردند یکدیگر را می‌فهمند تصمیم به با هم زیستن می‌گیرند؛ لیکن چون به صورت کامل اجتماعی نشده‌اند و وجدان اخلاقی (سوپر ایگو) قوی ندارند. برای با هم زیستن راه کج روانه و ناهنجار را پیش می‌گیرند (درودیان، ۱۳۸۱). **د) مرحله بروز تعارض و تنش:** به وضوح می‌توان پیش‌بینی کرد افرادی که تن به این رابطه می‌دهند، دنیایی سرشار از تعارض، درگیری و مسائل حل نشده دارند. به همین جهت، دیری نمی‌پاید که عشق و عاطفه اولیه به تمامی رنگ می‌بازد و جای خود را به نفرت و کینه و خود سرزنش‌گری می‌دهد. **ه) مرحله خاتمه زیست مشترک و احساس شرمساری:** زیست سیاه مشترک دیری نمی‌پاید؛ چرا که به گونه‌ای ناهنجار شکل گرفته است. با پیدا شدن تعارض‌ها دو طرف قادر به بهره‌گیری از سازوکارهای منطقی و عقلانی برای از میان راندن تعارض‌های پدید آمده و اختلافات ظاهر شده نیستند. در نتیجه به این رابطه خاتمه می‌دهند و چیزی جز احساس شرم و شکست برای طرفین، خصوصاً برای زن باقی نمی‌ماند (درودیان، ۱۳۸۱).

عوامل موثر بر گرایش به ازدواج سفید: یکی از مهم‌ترین آفت‌های اجتماعی که هر جامعه‌ای را با مشکل جدی مواجه می‌سازد، بی‌اعتمادی میان اعضای جامعه است. گسترش بی‌اعتمادی در روابط اجتماعی و گسترش انواع انحرافات اخلاقی در سطح جامعه به نهاد خانواده و مناسبات انسانی نیز تسری یافته و اساساً کیفیت ارتباط با دیگران را دچار شک و تزلزل کرده است (سلیمی، ۱۳۹۲).

افزایش اعتماد، فریب‌کاری و کلاهبرداری و تجربیات تلخ دیگران در این موارد که هر روزه در صفحه حوادث روزنامه‌ها منتشر می‌شود، در کنار توسعه کمی شهرنشینی و افزایش جمعیت که افراد را با هم بیگانه کرده است، موجب بی‌اعتمادی افراد می‌شود که نقطه عطف و حساس این مسئله در ازدواج و وصلت با دیگری خود را نشان می‌دهد. چه بسیار شکست‌های عاطفی و زناشویی که به واسطه اعتماد کاذب و خوشبینانه به دیگری رخ می‌دهد که فقط گوشه‌ای از آن از طریق رسانه‌ها منتشر می‌شود. بدیهی است هر قدر اعتماد میان افراد جامعه بیشتر باشد، ریسک ازدواج بالاتر می‌شود و افراد محتاط‌تر از پیش اقدام به این کار می‌کنند (برات دستجردی و عرفان، ۱۳۹۱).

روان‌شناسی و ازدواج سفید: روان‌شناسان معتقدند رابطه‌ای که از طریق ازدواج سفید بوجود می‌آید موجب کاهش فرزندآوری می‌شود، به علاوه سطح زندگی افراد تغییر می‌کند و خلاء روانی برای دختر را در

پی دارد و همچنین ممکن است شانس مادر شدن او را کاهش دهد و حتی به آسیب‌هایی مانند اعتیاد سوق پیدا کنند، این در حالی است که مردان در صورت ترک چنین رابطه‌ای کمتر آسیب می‌بینند. در چنین ازدواج‌هایی امکان دارد که یکی از طرفین هر لحظه نسبت به ادامه این رابطه اظهار بی‌میلی کند و این امر موجب وارد شدن صدمات روحی قابل توجهی به طرف مقابل به ویژه زنان می‌شود چرا که آنان برحسب طبیعت خود دوست دارند روی فردی سرمایه‌گذاری عاطفی کنند که از ارزش لازم برخوردار باشد (قبله‌ای، ۱۳۹۵).

عرف: عرف عبارت است از عملی که غالب مردم در جامعه معین، آن را به‌طور مکرر و ارادی انجام می‌دهند. در تعبیر فقها این امر «بنای عقلا» یا «سیره عملی» نامیده می‌شود. عرف در این معنی مبنا و توجیه عقلی دارد. ولی عادت که شامل مسائل طبیعی مانند سن بلوغ نیز می‌گردد، این توجیه را ندارد. در فقه، عرف هنگامی معتبر است که کتاب و سنت در موردی ساکت باشد. در بحث حقوقی، قواعدی را که بدون مداخله قانون‌گذار از میان پدیده‌های اجتماعی استخراج شده و به‌صورت قاعده‌ای حقوقی درآمده باشد، عرف می‌نامیم. (عبدی، ۱۳۹۷)

برای ایجاد عرف، قاعده‌ای بایستی بین مردم خودبه‌خود به‌گونه‌ای مرسوم و معمول شود که به اعتقاد آنان الزام‌آور باشد. عرف دارای دو رکن مادی (عادت مرسوم بین عموم برای مدت طولانی) و روانی (اعتقاد به الزامی بودن رعایت آن) می‌باشد. با آنکه حقوق ایران به عنوان حقوق مدون شناخته می‌شود، مع‌هذا باید دانست که عرف در میان قواعد حقوقی سهم بسزائی دارد. به این معنی که در پاره‌ای موارد از جمله موارد ۱۳۲ و ۲۲۲ قانون مدنی (۲) صراحتاً به آن اشاره شده و در مواردی دیگر به‌طور ضمنی. ضمناً به نظر می‌رسد که دادرسی در مواردی که قانون حکم موردی را بیان ننموده یا مفاد آن مجمل باشد و از منابع اسلامی و فناوری نتوان حکم قضیه را یافت، می‌تواند از عرف و عادت مسلم استفاده کند. (ماده ۳ آیین دادرسی مدنی) برای ایجاد عرف، باید هنگام روبه‌رو شدن با واقعه‌ای خاص، رعایت قاعده‌ای بین مردم در جامعه‌ای معین مرسوم شود و این رسم چنان قوت بیابد که به اعتقاد آن‌ها الزام‌آور باشد. در اینجا اشاره به این نکته ضروری است که منظور از عرف در اینجا عرف توده مردم می‌باشد نه عرف صاحب‌نظران علم حقوق که گروهی آن را به اصول کلی حقوقی تعبیر می‌نمایند. توضیح اینکه گاه دانشمندان حقوق در برابر واقعه‌ای از اصل معین پیروی می‌کنند و آن را به‌عنوان اصل کلی حقوقی محترم می‌شمارند. از قبیل: "هیچ ضرر نباید بدون جبران بماند" و "هیچ کس نباید به زیان دیگری استفاده بلا جهت کند" و یا "منتفع از منافع باید زیان آن‌را متحمل شود". (عبدی، ۱۳۹۷). در این پژوهش ضمن پاسخگویی به پرسش اساسی جایگاه عرف در ازدواج سفید از نظر فقه اسلام، به جایگاه تأثیرگذاری عرف، احکام شرعی و حقوق به عنوان بخش مهم تعیین‌کننده در بایدها و نبایدهای عملی در ازدواج پرداخته و نسبت عرف بر ازدواج سفید را تبیین می‌نماییم.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر، با روش تحقیق توصیفی-تحلیلی، ضمن تجزیه و تحلیل مسائل و ابعاد مختلف موضوع مورد نظر از طریق سؤالات در نظر گرفته شده و نسبت به تحلیل اطلاعات گردآوری شده از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی اقدام گردید.

یافته‌ها

ازدواج سفید یکی از چالش‌های جدیدی و نوپدیده جامعه ایران است. مهم‌ترین عوامل گرایش به این رابطه تغییرات فرهنگی جامعه ایران، مشکلات مالی جوانان، محک زدن رابطه، آشنایی بیشتر، عدم اعتقاد به ازدواج، سست شدن اعتقادات مذهبی، افزایش مردان تنها و زنان بیوه ناشی از طلاق، الگوبرداری از ماهواره و رسانه‌های بیگانه که قبح این نوع رابطه را از بین می‌برند، توقعات بالای دختران، قطع وام ازدواج و هرگونه کمک مالی به پسران از سوی نهادهای مالی، تعهد مالی کمتر در این رابطه، و رهایی از هفت خوان ازدواج رسمی است. این ازدواج آسیب‌های اجتماعی و روانی زیادی برای جامعه، طرفین و خانواده آنان ایجاد می‌کند. مهم‌ترین آسیب‌ها عبارتند از: کم شدن حس مسئولیت، تحمیل هزینه‌های اضافی بر جامعه برای پرورش فرزندان این رابطه، کم شدن اعتماد زوجین به یکدیگر، زیاد شدن احتمال طلاق، کم شدن شادی و نشاط زوجین به خصوص در زنان، کاهش فرزندآوری، کاهش شانس مادر شدن دختران و ایجاد خلاء روانی برای هر دو طرف را می‌توان نام برد (سیدی بنایی، ۱۳۹۰).

ازدواج سفید در عرف

ازدواج پدیده‌ای است که از دیرباز و از زمان پیدایش انسان بوده و تا امروز نیز ادامه داشت است؛ اما این روزها در کشور، نوع دیگری از زندگی مشترک در حال شکل‌گیری است که نه تنها مطابق شرع و قانون نیست؛ بلکه عرف جامعه هم تمایلی به پذیرش آن ندارد. این نوع زندگی مشترک میان جوانان کشور به ازدواج سفید تعبیر می‌شود و این روزها شاهد افزایش آن در جامعه هستیم. به گزارش قانون نزد اسلام پیوند زن و مرد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و اسلام فقط ازدواج را مشروع قرار داده و از هر نوع پیمان دیگر خارج از چارچوب شرع ممانعت کرده است. به طور کلی اسلام ازدواج را پیوند طبیعی و سنتی از سنت‌های اجتماعی می‌داند (هدایت‌نیا، ۱۳۸۷). ازدواج سفید را باید پدیده‌ای غیرشرعی و غیرقانونی دانست که افزایش آن در سال‌های اخیر دامنگیر جامعه ایرانی شده که به نوعی فرار ازدواج رسمی شرعی و شانه خالی کردن از بار مسئولیت تشکیل خانواده نیز محسوب می‌شود. در این پدیده مجرمانه، زن و مرد بدون وجود علقه زوجیت و بدون جاری شدن صیغه عقد دائم یا موقت و همچنین بدون ثبت رسمی ازدواج، شروع به زندگی مشترک و زناشویی کرده که کاملاً غیرشرعی و غیرقانونی است. این پیوند غیرقانونی و غیررسمی که در آن طرفین تعهدی برای کنار هم ماندن ندارند حتی اگر یکی از طرفین تمایل جهت ادامه رابطه داشته باشد با عدم رضایت طرف مقابل احتمال بر هم خوردن این سبک زندگی بسیار بالا است و عدم حمایت قانونی از این نوع وصلت عدم تعهد طرفین را دو چندان می‌کند. (سیدی بنایی، ۱۳۹۰)

این زوج‌ها هیچ تعهد حمایت مالی در برابر طرف خود ندارند. و طی آمار جامعه‌شناسان با این‌که بیشتر توقع دارند که زندگی جنسی‌شان با وفاداری باشد اما خیانت جنسی در این روابط بسیار بیشتر از زوج‌های قانونی دیده می‌شود. در واقع هیچ محدودیت و یا مسئولیت‌پذیری رسمی و قانونی را شامل نمی‌شود و در این نوع ازدواج مسئولیت‌ها و تعهدهای مالی که در نکاح دائم است هیچ انگاشته می‌شود (رضایی، ۱۳۹۲). در طول تاریخ بشری و در جامعه و فرهنگ‌های مختلف، رابطه با جنس مخالف، اشکال و ابعاد متنوعی به خود گرفته است. یکی از انواع جدید و رو به گسترش آن که در سال‌های اخیر در کشورمان به خصوص در

کلان شهرها شاهد آن هستیم، ازدواج سفید است. شروع زندگی مشترک زیر یک سقف با توافق دو طرفه بین زن و مرد بدون ثبت رسمی، قانونی و حقوقی ازدواج سفید گفته می‌شود. ازدواج سفید، پیوندی غیرقانونی و غیررسمی است که در آن دو طرف هیچ تعهد برای کنار هم ماندن ندارد. به عبارتی هم‌خانگی بدون ازدواج یا ازدواج سفید پدیده‌ای است که دختر و پسران به عنوان هم‌خانه با یکدیگر زندگی می‌کنند، بی‌آن‌که میان آن‌ها پیوند رسمی ازدواج و رابطه زن و شوهری باشد. این روزها هشدارهایی در خصوص رواج مخفیانه ازدواج سفید در کشورمان می‌شنویم. اتفاقی که نه از نظر سنت و نه از نظر شرع برای خانواده‌های اصیل ایرانی پذیرفتنی نیست. در دنیای غرب، با توجه به تغییر سبک زندگی و در کنار آن، افزایش فشارهای اقتصادی، به طور کلی میل به ازدواج شرعی و رسمی کاهش یافته و روابط، بیشتر بر پایه ارضای غرایز و آزمایش گونه شکل می‌گیرد (سلیمی، ۱۳۹۲).

ازدواج سفید در قوانین فقهی و حقوقی ایران

در قوانین حقوقی و فقهی در جمهوری اسلامی ایران، ارتباط بین زن و مرد را بدون علقه زوجیت منع نموده و برای آن ضمانت اجرا تعیین نموده است (امامی و همکاران، ۱۳۸۹). در ماده ۲۱ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ ثبت نکاح موقت در صورت باردار شدن زوجه یا توافق دو طرف در هنگام انعقاد نکاح موقت یا درج به صورت شرط ضمن عقد الزامی شده است. چنین ارتباطی را اگر نتوان به عنوان زنا مطابق تعریف قانون‌گذار مورد مجازات قرار داد، به عنوان رابطه نامشروع مادون زنا مورد توجه و تقنین قرار داده و طبق ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی قابل تعقیب و مجازات خواهند بود و فرزند حاصل از آن نامشروع تعریف می‌شود که از حقوق اجتماعی از جمله تحصیل و شناسنامه محروم خواهد بود و از والدین طبیعی خود ارثی نخواهند برد و همسرش مستحق دریافت نفقه نخواهد بود و از لحاظ قانونی ازدواج متعه پیش‌بینی شده است (مطهری، ۱۳۷۲).

بطلان ازدواج سفید از دیدگاه فقها

نظریه بطلان سفید در فقه امامیه از اعتبار زیادی برخوردار است. تقریباً تمام فقهای که متعرض بحث نکاح شده‌اند، بر لزوم لفظی بودن ایجاب و قبول تأکید نموده‌اند. به عنوان نمونه، امام خمینی (ره) در این خصوص اظهار داشته‌اند: «النکاح علی قسمین: دائم و منقطع، و کل منهما یحتاج الی عقد مشتمل علی ایجاب و قبول لفظین؛ نکاح بر دو قسم دائم و منقطع است و هر کدام محتاج عقدی است که مشتمل بر ایجاب و قبول لفظی باشد» (سیدی بنایی، ۱۳۹۰).

ایشان در ادامه تأکید می‌نمایند که مجرد رضایت قلبی طرفین کفایت نمی‌کند و معاطاتی که در غالب معاملات جریان دارد، در عقد نکاح کفایت نمی‌کند، از این نظر می‌توان استفاده نمود که ازدواج سفید رضایت قلبی طرفین کفایت نمی‌کند. عبارتی که نقل شد یا مشابه آن در بسیاری از منابع فقهی مشاهده می‌شود (همان).

بعضی از فقها در مورد ضرورت لفظی بودن ایجاب و قبول عقد نکاح تا بدانجا پیش رفته‌اند که نکاح بدون صیغه را سفاح (زنا) خوانده‌اند. مانند شیخ انصاری که نوشته است: «أن الفروج لا تباح بالاباحه و لا بالمعاطاه، و بذلک یمتاز النکاح عن السفاح لأن فیہ التراضی أیضاً غالباً؛ همانا فروج با اباحه و با معاطات حلال نمی‌شود و فرق نکاح و سفاح نیز در صیغه است، زیرا در سفاح نیز غالباً تراضی است» (خویی، ۱۳۹۲).

این مطلب از فقیه بزرگی چون شیخ انصاری قدری عجیب به نظر می‌رسد، زیرا میان نکاح معاطاتی و سفاح با تراضی تفاوت بسیاری وجود دارد. در ازدواج سفید، تراضی در زوجیت است و این تراضی قلبی به طریقی اعلام می‌شود؛ در حالی که در سفاح، تراضی بر زوجیت نیست و طرفین قصدشان زنا است. در این صورت چگونه می‌توان این دو را با یکدیگر مقایسه کرد. مرحوم خوبی در نقد سخن شیخ انصاری بیان داشته، تفاوت میان نکاح و سفاح در لفظ نیست، زیرا گاهی با لفظ، رابطه دو جنس مخالف سفاح هست و گاهی بدون لفظ، رابطه آن دو نکاح است. از نظر ایشان تفاوت میان نکاح و سفاح، یک امر اعتباری است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲). اعتباری بودن؛ یعنی این که مرد، زن را زوجه اعتبار نماید و در مقابل، زن نیز مرد را زوج اعتبار کند. همچنین سخن شیخ تنها در فعل خاص موافقه صدق می‌کند و بر سایر تماس‌ها زنا صدق نمی‌کند. از نظر فقهای معاصر نیز ازدواج سفید اعتباری ندارد و آنان نوع ایجاب و قبول لفظ را لازم شمرده‌اند. آیت‌الله بهجت در پاسخ سوالی در مورد نکاح معاطات اظهار داشته‌اند: «معاطات در مورد نکاح نیست» از نظر فقهی، برای اثبات بطلان نکاح بدون صیغه ازدواج سفید، دلایل گوناگونی ارائه شده است (دادمرزی، محقق داماد، ۱۳۹۱).

بطلان ازدواج سفید در آیات

بعضی از فقها کوشیده‌اند آیه ۲۱ سوره نساء را با توجه به تفسیر روایی آن بر مورد بحث تطبیق دهند و از آن بی‌اعتباری ازدواج سفید را نتیجه بگیرند. ابتدا آیات مورد بررسی قرار می‌گیرد.

«و إن اردتم استبدال زوج مکان زوج و آتیتم احداهن قنطاراً فلا تاخذوا منه شیئاً تاخذونه بهتاناً و ائماً مبیناً و کیف تأخذونه و قد افضی بعضکم الی بعض و اخذن منکم میثاقاً غلیظاً؛ و اگر تصمیم گرفتید که همسر دیگری به جای همسر خود انتخاب کنید و مال فراوانی (به عنوان مهر) به او پرداخته‌ای، چیزی از آن را نگیرید؛ آیا برای باز پس گرفتن مهر زنان، متوسل به تهمت و گناه آشکار می‌شوید؟ و چگونه آن را باز پس می‌گیرید، در حالی که شما با یکدیگر آمیزش کامل داشته‌اید و (از این گذشته) آن‌ها پیمان محکمی (هنگام ازدواج) از شما گرفته‌اند؟» (نساء/ ۲۱).

پیش از اسلام رسم بر این بود که اگر مردی قصد ازدواج مجدد را داشت، برای فرار از پرداخت مهر، همسر خود را به اعمال منافی عفت متهم می‌کرد و بر همسر خود سخت می‌گرفتند تا زن مهر خود را ببخشد و طلاق بگردد.

شان نزول این آیه در بطلان اعمال ناپسند دوران جاهلیت است. این اقدام جاهلین، خود کارشکنی در ازدواج بود. در ازدواج سفید به لحاظ نبود صیغه عقد، و امکان بر هم خوردن ازدواج سفید از سوی مرد یا زن، با توجه به شان نزول آیه در کارشکنی ازدواج، ازدواج سفید با دقت در این آیه نهی شده است (قرآن کریم، ۱۳۸۴): ترجمه الهی قمش‌های).

در بعضی روایات، کلمات «میثاق غلیظ» به عهد خداوند از زوج مبنی بر «امساک به معروف یا تسریح به احسان» در ارتباط میان مرد با همسرش تفسیر گردیده است که به این بحث بی‌ارتباط است. مطابق روایت دیگر، این کلمات بر الفاظ عقد نکاح منطبق شده است. بریدبن معاویه عجلی «می‌گوید: از امام باقر (ع) راجع به تفسیر عبارت، «و اخذن منکم میثاقاً غلیظاً» پرسیدم امام فرمود: «المیثاق هی الکلمه الی عقد بها النکاح؛ میثاق همان کلمه‌ای است که با آن نکاح واقع می‌شود (ارمکی، ۱۳۹۱).

بریدین معاویه عجلی از اصحاب اجماع و از بزرگان به شمار می‌آید و به همین دلیل، روایتی که او نقل کرده است، معتبر می‌باشد. آیت‌الله خویی از کسانی است که روایت برید را دلیل بر لزوم صیغه در عقد نکاح دانسته و می‌نویسد: این روایت بر اعتبار لفظ و نیز عدم کفایت رضایت قلبی، بلکه بر عدم کفایت تلفظ به غیر الفاظ معین دلالت واضحی دارد (محقق داماد، ۱۳۸۶).

مرحوم نراقی ترجیح داده است روایت فوق را موید لزوم صیغه بنامد. البته ارزش اثباتی آن کمتر است. ولی گروهی دیگر از فقها در دلالت روایت فوق بر مورد بحث اشکال کرده و اظهار داشته‌اند: آیه فوق نافی اعتبار نکاح معاطاتی نیست. زیرا آیه با توجه به تفسیر ذکر شده، مورد متعارف و شایع را بیان می‌نماید. به تعبیر دیگر آیه حداکثر درستی نکاح با صیغه را اثبات می‌نماید و این مستلزم بی‌اعتباری نکاح بدون صیغه نمی‌باشد. بدین ترتیب روایت برید دلالتی بر موضوع بحث ندارد (نجفی، بی‌تا).

بطالان ازدواج سفید در روایات

جمعی از فقها برای ضرورت لفظی بودن ایجاب و قبول در عقد نکاح به روایاتی استناد کرده‌اند که مورد توجه قرار می‌گیرند.

- «خالد بن الحجاج» نقل می‌کند که به امام صادق (ع) گفتم: مردی می‌آید و می‌گوید: این پارچه را بخر و به تو چنین و چنان سود می‌دهم. امام فرمود: آیا این‌طور نیست که اگر خواست ترک می‌کند و اگر خواست می‌گیرد؟ گفتم: آری، چنین است. امام فرمود: « لا بأس به انما یحل الکلام و یحرم الکلام؛ مانعی ندارد، همانا این کلام است که حلال می‌کند و این کلام است که حرام می‌نماید (رضایی، ۱۳۹۳).

نحوه استدلال به روایت فوق آن است که امام در این روایت، کلام را محلل و محرم نامیده است و با توجه به کلمه «انما» در روایت حصر معلوم می‌شود. در نتیجه فقط کلام است که محرم است و غیر آن اثری ندارد. از سوی دیگر اگرچه صدر روایت ناظر به باب بیع است، ولی ذیل آن قاعده کلی به دست می‌دهد. (همان) بنابراین مفاد آن مبین یک قاعده کلی است و در تمامی عقود و ایقاعات از جمله عقد نکاح جریان می‌یابد. در نتیجه معاطات در عقود و از جمله عقد نکاح فاقد اثر است. بر استدلال‌های فوق، علاوه بر ضعف سند روایت، به دلیل مجهول بودن «ابن حجاج»، اشکال‌های متعددی وارد شده است (اسدی، ۱۳۹۱)؛ نخست آن که مقصود امام از عبارت ذکر شده اجمال دارد. شیخ انصاری در مورد آن چهار احتمال ذکر نموده است که تنها براساس یک احتمال، سخن امام نافی معاطات در عقود است و این است که مراد از کلام در سخن امام، لفظ دال بر تحلیل و تحریم باشد؛ به این معنا که تحریم شیء و تحلیل آن تنها با نطق صورت می‌گیرد و با قصد مجرد از کلام یا با قصدی که افعال بر آن دلالت نماید محقق نمی‌گردد. ایشان در تضعیف این احتمال می‌نویسد: «اگر این احتمال در مورد سخن امام صحیح باشد، تخصیص اکثر لازم می‌آید. زیرا در بسیاری از عقود، معاطات پذیرفته شده است. افزون بر آن اگر این احتمال صحیح باشد، ارتباط میان سوال راوی و پاسخ امام از بین می‌رود» (ارمکی، ۱۳۹۱).

با توجه به توضیحات فوق از این حدیث نمی‌توان بطلان نکاح معاطاتی را نتیجه گرفت و شاید به همین دلیل بسیاری از فقهاء در مقام استدلال بر بطلان نکاح معاطاتی، به روایت فوق استناد نکرده‌اند.

-ابان بن تغلب می‌گوید: از امام صادق (ع) پرسیدیم، اگر خواستیم زنی را به نکاح موقت درآورم چه بگوییم؟ امام در پاسخ فرمود: «تقول أتزوجک متعه علی کتاب الله و سنه نبیه... فاذا قالت نعم فقد رضیت و هی

امراتک و أنت أولى الناس بها؛ بگو تو را به نکاح موقت در آوردم بر کتاب خدا و سنت پیامبر او...؛ اگر گفت بله، پس رضایت داد و او همسر تو است و تو سزاوارترین مردم بر او هستی (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۳). نحوه استدلال بر روایت فوق در مورد بحث این است که راوی از چگونگی ایجاد رابطه زوجیت پرسید و امام به او فرمود بگو: «انزوجک» این روایت مفید آن است که در عقد نکاح لفظ لازم است. این روایت اگرچه راجع به نکاح منقطع است، ولی از آن لزوم لفظی بودن عقد نکاح دایم نیز معلوم می‌شود. زیرا اگر در نکاح موقت لفظ لازم است در نکاح دایم به طریق اولی لازم است (اراکي، ۱۳۸۶).

دلالت روایت فوق نیز بر مورد بحث تمام نیست؛ زیرا اولویت ادعا شده تمام نیست و بین نکاح موقت و دایم تفاوت‌هایی وجود دارد که ممکن است در حکم ذکر شده دخالت داشته باشد. از جمله این تفاوت‌ها این است که در عقد منقطع، ذکر مهر ضروری است و بدون آن عقد باطل است، در حالی که در نکاح دایم چنین نیست افزون بر آن ممکن است پاسخ امام مبنی بر این که می‌فرماید: «انزوجک» به خاطر آن باشد که راوی پرسیده بود. چه بگویم «کیف أقول لها» یعنی راوی از لفظ پرسید و امام نیز پاسخ را روی الفاظ برد مگر اینکه ادعا شود، راوی از آن رو از نحوه تلفظ سوال کرد که اصل مسأله لفظی بودن ایجاب و قبول مسلم بوده است. روایات دیگری در جوامع روایی وجود دارد که تماماً از همین باب است و ناظر به الفاظ عقد نکاح و نحوه تلفظ به آن است. (همان)

به نظر می‌رسد، از این روایات ممکن است بر ضرورت لفظی بودن ایجاب و قبول استدلال شود و گفته شود که چون اصل ضرورت لفظی بودن ایجاب و قبول مسلم و مفروغ عنه بوده است، از این رو نحوه تلفظ بیان شده است. ولی دلیل قابل اعتمادی بر این ادعا وجود ندارد و بعید نیست که این سوال و جواب‌ها ناظر به مورد غالب و شایع در زمان صدور احادیث باشد. شاید به همین دلیل بسیاری از فقها با وجود این که قایل به بی‌اعتباری ازدواج سفید شده‌اند، ولی برای مدعای خود به روایات تمسک نکرده‌اند (قبله‌ای، ۱۳۹۵).

بطلان ازدواج سفید از نظر اجماع و سیره مسلمین

جمع قابل توجهی از فقهاء برای لزوم لفظ بودن ایجاب و قبول در عقد نکاح، به اجماع تمسک کرده‌اند. شیخ انصاری با اشاره به اجماع علمای اسلام بر ضرورت لفظی بودن عقد نکاح بیان داشته است: «أجمع علماء الإسلام- كما صرح به غیر واحد علی اعتبار أصل الصیغه فی عقد النکاح؛ علمای اسلام اجماع دارند- همان طور که جمعی به آن تصریح کرده‌اند- بر این که در عقد نکاح صیغه لازم است». (بنایی، ۳۹۰). صاحب ریاض هم ادعای اجماع کرده است (کازمی، ۱۳۹۴).

صاحب حدائق مدعی است که لزوم لفظی بودن عقد نکاح اجماعی علمای خاصه و عامه است. از نظر جمعی از فقهاء مهم‌ترین و قابل اعتمادترین دلیل بر بی‌اعتباری نکاح معاطاتی و لزوم لفظی بودن عقد، اجماع فقها و سیره مسلمین است. بعضی فقهای معاصر با اشاره به این مسأله اظهار داشته‌اند: «به نظر می‌رسد عمده دلیل همان تسلیم بین المسلمین من الامامیه و العامیه است که همه اعتبار لفظ را مفروغ عنه گرفته‌اند و سراغ شرایط صیغه رفته‌اند». فقه دیگری در بیان اهمیت این اجماع و ارزش آن تأکید می‌کند: «این اجماع را نباید دست کم گرفت؛ چون مدرک مهم دیگری که مجمعی به آن استناد کرده باشند در دست نیست (درودیان، ۱۳۸۱).

یعنی اجماع در این مسأله مدرکی نیست، زیرا مدرک قابل اعتمادی در این مورد وجود ندارد. بنابراین از نظر ایشان اجماع ادعا شده در این مسأله تعبدی است. لذا این سوال مطرح می‌شود که آیا اجماع و سیره‌ای که

بر بطلان نکاح معاطاتی مورد استناد قرار گرفت به درجه‌ای از قوت است که بتواند با ادله لزوم وفای به عقد و عهد مقابله نماید؟

اموری که به آن اشاره می‌شود اعتبار اجماع و سیره ادعا شده با تردید مواجه می‌سازد:

الف- بعید نیست اجماع در این مسأله مدرکی باشد؛ زیرا این احتمال وجود دارد که این توافق فقهی به اعتماد روایاتی باشد که نقل شده است. همان‌طور که بعضی فقها به این موضوع تصریح نموده‌اند: «عدم قیام دلیل علی هذا الحکم و عدم حجیه مثل هذه الاجماع».

ب- فقهاء در مورد مفهوم معاطات اتفاق نظر ندارند. حال آیا اجماع بر ضرورت لفظ در عقد نکاح و بی‌اعتباری معاطات در حالی که اجماع‌کنندگان تلقی یکسانی از آن ندارند و آن از تلقی‌ها به قدر متیقنی نیز نمی‌توان دست یافت، می‌تواند کاشف از قول معصوم بوده و حجت باشد؟ آیا این‌گونه نیست که جمعی از فقهای که لفظ را ضروری دانسته‌اند؛ به این جهت بوده است که اساساً مطاعات را عقد نمی‌دانسته‌اند؟ روشن است که با این احتمالات نسبتاً قوی، این چنین اجماعی قابل اعتماد نیست.

ج- بعید نیست سیره مسلمین در اجرای عقد نکاح به الفاظ مخصوص، تنها برای غایت احتیاط باشد. بلکه ظاهراً همین‌طور است، در این صورت چه دلیلی وجود دارد که اگر کسی بدون رعایت احتیاط، عقد نکاح را با ایجاب و قبول کتبی محقق نموده است را باطل بدانیم؟

د- ممکن است اعتماد به لفظ در اعلام اراده و بی‌اعتنایی به وسایلی مثل کتابت، به این دلیل باشد که در صدر اسلام، رایج‌ترین و در عین حال صریح‌ترین وسیله اعلام اراده، الفاظ بوده‌اند، در این صورت دلیلی ندارد که با رواج کتابت و اعتماد به آن در عقود مهم، ایجاب و قبول مکتوب در نکاح باطل باشد. در نهایت رعایت احتیاط در نکاح، شرعاً مطلوب است، ولی نباید از نظر دور داشت که سخت‌گیری و افراط در احتیاط و زیاد کردن تشریفات آن نیز شرعاً مذموم است. بنای شرع مقدس اسلام، بر آسان کردن نکاح و سخت کردن شرایط طلاق است و به همین دلیل با وجود این‌که در طلاق، حضور شهود ضروری است، در نکاح غیرضروری می‌باشد (بنایی، ۱۳۹۰).

بحث و نتیجه‌گیری

بی‌تردید فرایند تجددگرایی در جوامع بشری، ارزش‌ها و هنجارهای جدیدی را از طریق ابزارها و عواملی چون: شهرنشینی، رسانه‌ها، سواد و... بر جوامع بشری تحمیل می‌کند. ورود جریان تجددگرایی به ساختار اجتماعی جامعه ایرانی و بالطبع ساختار اجتماعی خانواده ایرانی، تغییراتی را در هنجارها و ارزش‌ها به وجود آورده و تأثیراتی بسیار شگرف بر چگونگی ازدواج بر جای گذاشته است

در ازدواج سپید، پیوندی به مدت زمان نامعلوم بین دو فرد برقرار می‌شود که فاقد مشروعیت اجتماعی و حقوقی است. این نوع ازدواج با ازدواج دائم و شرعی تعریف شده در حقوق ایران، تفاوت‌های بسیاری دارد که اهم آن شرعی نبودن آن است. در نظام حقوقی غرب، ازدواج سفید و قوانین مربوط به این پدیده خانوادگی، مورد قبول محاکم قضایی و قانونی می‌باشد؛ ولی در نظام حقوقی و فقهی ایران، این پدیده به دلیل عدم ثبت شرعی و عدم مسئولیت حقوقی و عدم مشروعیت فقهی این نوع رابطه و همچنین بارداری ناخواسته و عوارض بهداشتی ناشی از سقط جنین غیرقانونی می‌باشد.

مسئله مهم در این میان، جرایم ارتكابی بارداری‌های ناخواسته، فرزندان نامشروع، سقط جنین‌های متعدد و غیرقانونی و... است که همگی به شدت تهدید کننده سلامت هر جامعه‌ای است. اما در صحت یا بطلان ازدواج سفید با توجه به دلایل فقهی و حقوقی، باید قائل به بطلان این ازدواج بود. امام خمینی (ره) و شهید ثانی، وجوب لفظ ایجاب و قبول را در عقد نکاح لازم دانسته‌اند و نیز با دقت در آیه ۲۱ سوره نساء می‌توان وجوب صیغه در نکاح را تأیید کرد.

ماده ۱۰۹۲ قانون مدنی، وقوع عقد نکاح را منوط به ایجاب و قبول صریح دانسته است. پس به استناد ماده مذکور، عقد نکاح با اعلام ایجاب و قبول محقق می‌شود. با توجه به دلایل فقهی و حقوقی مطرح شده که تشریح آن در پژوهش از نظر گذشت، می‌توان بطلان ازدواج سفید را نتیجه گرفت. در این میان، برخی، ازدواج سفید را معادل نکاح معاطاتی می‌دانند. نکاح معاطاتی در فقه و حقوق به معانی مختلفی آمده است. یکی از معانی رایج آن عدم اجرای صیغه ایجاب و قبول است. نکاح معاطاتی قصد انشاء زوجیت شرعی است، با ابزار و رفتارهایی که عرف متعارف و معقول، آن‌ها را صریح در اراده این زوجیت می‌داند. عرف، همواره به عنوان یکی از طرق و ابزارهای شناخت احکام مورد توجه بوده و به آن استناد شده است، چنان‌که معاطات، سیره مستمره عقلائیه از زمان شکل‌گیری تمدن‌ها و احتیاج به مبادلات بوده است، در مورد نکاح نیز ممکن است عرف در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت، افعالی را مخصوص عقد نکاح قرار دهد که به معنای تغییر ماهیت نکاح نیست.

دستاورد مهم تحقیق، این است که ادله بطلان و از آن جمله دلیل اجماع بر لزوم لفظ برای نکاح، به نحو تبدیلی نیست، بلکه بیشتر فقها در جستجوی راهی برای اعلام صریح قصد باطنی هستند و به همین دلیل به لفظ روی آورده‌اند و اگر آنان غیر لفظ را معتبر ندانسته‌اند، به جهت صریح نبودن غیر لفظ در انشاء و از باب احتیاط برای جلوگیری از رواج و اشاعه فساد جنسی است که خود در مقابل اصل صحت و حمل برای مسلمان بر صحت و رواج ازدواج است؛ بنابراین دلیلی وجود ندارد که اگر کسی بدون رعایت احتیاط، عقد نکاح را با فعل صریح محقق نموده، باطل باشد؛ بلکه نکاح معاطاتی طبق قاعده، صحیح و مشروع است و آثار نکاح صحیح بر آن مترتب می‌شود و در هر زمان و مکانی که فعل صریح در انشای عقد نکاح موجود باشد، ادله نکاح صحیح شامل نکاح معاطاتی خواهد بود و چنین چیزی غیرممکن نیست. با توجه به ادله که بررسی گردید در صورتی که بین ازدواج مرد و زنی از نوع نکاح معاطاتی باشد، ارتباط آن‌ها مشروع خواهد بود و حد زنا و رابطه نامشروع ساقط می‌شود.

تعارض منافع

این پژوهش بین نویسندگان این مقاله هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای
 آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۱). پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران، جامعه پژوهی فرهنگی، ۳(۱): ۴۳-۷۷.

- اسدی، محمدی و هاشمی، مجید (۱۳۹۱)، بررسی پدیده طلاق و چونگی حضانت فرزندان بعد از مفارقت، فصلنامه مطالعات زن، ۱۶: ۲۲-۴۲.
- امامی، حسن، (۱۳۸۶)، حقوق مدنی، چاپ نوزدهم، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- برات دستجردی، نگین و عرفان، آرزو (۱۳۹۱). بررسی عوامل موثر در گرایش به ازدواج اینترنتی در بین دانشجویان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲: ۱۲-۳۲.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۵)، ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش.
- حکیمی‌ها، سعید (۱۳۸۹)، جرم صدور گواهی خلاف واقع؛ ابعاد قانونی و حقوقی، مجله پزشکی قانونی، ۲: ۲۲-۱.
- خوبی، ابوالقاسم، (۱۳۹۲)، منهاج الصالحین، جلد دوم و سوم، قم: مدینه العلم.
- دادمرزی، سیدمهدی، و محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۱)، بررسی مقایسه‌ای ماهیت نکاح در فقه و حقوق موضوعه، مجله پژوهش‌های حقوقی تطبیقی، ۶۱: ۳۴-۵۶.
- درودیان، حسنعلی (۱۳۸۱)، تقریرات درس حقوق مدنی ۳ (قواعد عمومی قراردادها)، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- دیانی، عبدالرسول، (۱۳۹۵)، حقوق خانواده، چاپ سوم، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- سلیمی، مهدی، سلطانی، عباسعلی (۱۳۹۲)، نکاح معاطاتی و تفاوت آن با زنا، پژوهشنامه حقوق اسلامی، ۲۱: ۳۲-۵۶.
- سیدی بنایی، سیدباقر (۱۳۹۰). «بررسی نکاح معاطاتی از منظر فقه و حقوق موضوعه»، فصلنامه تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۷(۲۳): ۸۷-۱۱۳.
- قبله‌ای، خلیل. (۱۳۹۵). بررسی احکام فقهی و حقوقی ازدواج سفید در ایران، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- گرگی، ابوالقاسم و همکاران. (۱۳۸۴)، بررسی تطبیقی حقوق خانواده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۳۸۵)، حقوق قراردادها در فقه امامیه، تهران: نشر سمت.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۱۱ق)، القواعدالفقهیه، چاپ سوم، قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین(ع).
- موسوی خمینی، روح الله، (بی تا)، تحریر الوسیله، چاپ اول، قم: مؤسسه دارالعلم.
- نجفی، محمدحسن، (بی تا)، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، محقق: شیخ عباس قوچانی، چاپ هفتم، بیرو: داراحیاء التراث العربی.

investigate the place of custom in white marriage from the point of view of Islamic jurisprudence

Abdullah. Alizadeh¹ & Ruhollah. Afzali Goroooh^{*2}, & Majid. Khazaei³

Abstract

Aim: The purpose of this study is to investigate the place of custom in white marriage from the point of view of Islamic jurisprudence. **Method:** This research was done based on library sources and descriptive-analytical method. **Results:** Among the reasons for turning to white marriage in Iran are unemployment, wrong traditions such as heavy dowries, back-breaking wedding expenses, the gap between the rich and the poor, etc. Also, the significant increase in single households as a result of independence, generational conflicts, occupational and educational migration can be considered as one of the important factors of the spread of white marriage in the country from a sociological point of view. Couples who choose white marriage have less mental health than people who get married officially, and have a much lower level of life satisfaction. Not being clear about the boundaries of responsibilities and obligations in joint life and expecting financial participation and income sharing, people not being targeted for economic investment and financial growth are other issues that people face in white marriage. **Conclusion:** The custom or the norms of the Islamic society at first, followed by morality, law and law, reject white marriage as an emerging phenomenon. The most important reason why this matter is rejected and criticized is that this type of marriage only has a sexual purpose and there is no effect of individual growth and the excellence of the society and the continuation of the generation in it. In this type of marriage, the woman is placed as a tool to satisfy her sexual instincts, and her legal and customary rights (dowry, alimony, and similar wages) have been taken away. Considering the personal and social consequences of this matter, the custom of Islam and all religions are completely against this emerging event.

Keywords: *custom, white marriage, woman, family, Islamic jurisprudence*

1. PhD student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran

2. ***Corresponding Author:** Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran
Email: Afzaligoroooh58@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Jiroft Branch, Islamic Azad University, Jiroft, Iran